



گزارش چکیده پایان نامه
فارسی و انگلیسی

نام و نام خانوادگی دانشجو: نبی الله رجبی	رشته تحصیلی: روابط بین الملل	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶
نام استاد راهنما: دکتر فریده محمدعلی پور	نام استاد مشاور: دکتر سیدسعید میرترابی حسینی	نام استاد داور: دکتر سید علی منوری	

عنوان پایان نامه: سیر تحول سیاست خارجی پاکستان در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱)

بیان مسئله:	<p>کشورها برحسب تعریف منافع ملی، مقاصد ملی و یا تعریف دوست و دشمن خویش، نظریات سیاست خارجی خویش را دنبال می کنند. کسب منافع ملی درگرو ثبات سیاسی در کشور است و گاه دولت ها برای اینکه در ثبات به سر ببرند، رقیبان خود را دچار بی ثباتی و ناامنی می سازند. افغانستان کشوری است که سابقه تاریخی در حدود پنج هزار سال دارد، در این دوران طولانی با نام های مختلف چون قلب آسیا، نقطه تقاطع جاده ابریشم، دروازه هند، چهارراه تمدن ها، بام دینا از آن یادشده است. افغانستان از موقعیت استراتژیکی و سوق الجیشی خاصی برخوردار است؛ بنابراین موقعیت جغرافیایی همواره دستخوش بازی قدرت های بزرگ شده و هرکدام به نوبه خود این کشور را اشغال نمودند اما در آخر الامر با شکست مواجه شده و برگشته اند. پاکستان پس از تجاوز شوروی به افغانستان و آغاز جهاد علیه شوروی به بزرگ ترین تسهیل کننده کمک های جهان مبدل شد. با تحول در نیروهای جهادی، سیاستمداران پاکستان تغییر راهبرد دادند. رفتار توأم با سوءظن و عدم اعتماد افغانستان و پاکستان به یکدیگر، شکل گیری روابط پایدار بین دو کشور و توسعه آن را تضعیف کرده است. همچنین برخی اظهارات مقامات پاکستان بعضاً دو کشور را تا مرز قطع رابطه با یکدیگر پیش برده است.</p> <p>نقش قدرت های خارجی در ساخت هرگونه نظم سیاسی در افغانستان به خوبی روشن است؛ اما آنچه در این راستا اهمیت دارد، پرداختن به نقش تأثیرگذارتر پاکستان، نسبت به سایرین، در ساخت سیاسی افغانستان است. پاکستان بیش از هر بازیگر دیگری در چند دهه گذشته تا به امروز و حتی در آینده، در ساخت سیاسی افغانستان نقش داشته و خواهد داشت؛ اما باوجود نزدیک به دو دهه حضور گسترده نظامی ایالات متحده در افغانستان و صرف هزینه های گسترده، در آخر، ساخت سیاسی برجا نهاده توسط این کشور در افغانستان بیش از دو ماه دوام نیاورد. این در حالی است که در همه این سال ها، باوجود محدودیت های گسترده ناشی از حضور ایالات متحده در افغانستان، متغیر نظم ساز مدنظر پاکستان، یعنی طالبان، نه تنها از میان نرفت، بلکه با مانایی و تجدیدقوا بار دیگر یکه تاز قدرت در عرصه سیاسی افغانستان شد. پس بیهوده نیست که پاکستان را سنگ بنای راهبردی ایجاد و دوام هرگونه ساخت سیاسی در آینده افغانستان بدانیم. پیشران ساخت این آینده محتمل، طالبان و سیطره آن بر</p>
-------------	--

<p>افغانستان است. در شرایط حاضر، طالبان تنها گروهی است که با کنار گذاشتن رقبای درونی، در عرصه سیاسی افغانستان یکه تازی می کند. متناسب با این شرایط، پاکستان تلاش خواهد کرد با تکیه بر این پیشران، نقشی مهم و تأثیرگذار در معماری ساخت سیاسی آینده افغانستان داشته باشد.</p> <p>پس از حادثه ۱۱ سپتامبر پاکستان خود را به عنوان متحد ایالات متحده آمریکا در جنگ علیه تروریسم معرفی کرد؛ اما در عین حال بخش هایی از نهاد نظامی و استخبارات این کشور با گروه های اسلام گرا در افغانستان مانند طالبان ارتباط داشتند. این پیوندها به تدریج به پشتیبانی مهم مادی و لجستیکی نیروهای جهادی تبدیل شدند. اعتقاد استراتژیست ها این بود که پاکستان خواهان سهمی در افغانستان است تا اطمینان حاصل کند که این کشور دارای دولتی طرفدار هند نشود. در خصوص میزان و مدت حمایت پاکستان از طالبان اختلاف وجود دارد اما زمانی که طالبان در سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ در قدرت بودند، پاکستان یکی از معدود کشورهایی بود که به طور رسمی دولت طالبان را به رسمیت شناخت. پژوهش حاضر در پی شناخت سیر تحول سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ و سقوط جمهوری اسلامی افغانستان است.</p>	
<p>روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. داده ها از منابع کتابخانه ای یا اینترنتی جمع آوری می شوند.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>سیر تحول سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان در سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ چیست؟</p> <p>سیاست خارجی پاکستان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ همراهی رسمی با ائتلاف بین المللی جنگ علیه تروریسم در افغانستان و از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۱ بازگشت به سیاست سنتی و حمایت از طالبان بوده است.</p>	<p>سوال اصلی و فرضیه تحقیق:</p>
<p>در ابتدا با پیش مطالعه، موضوع انتخاب و با نگارش پروپوزال به تصویب گروه رسید. سپس منابع، مطالعه، دسته بندی و فیش برداری شد. در جریان و پس از نگارش پایان نامه، نظرات اصلاحی استاد راهنما اخذ گردید و طبق روال آموزشی دفاع انجام شد.</p>	<p>روند پژوهش:</p>
<p>مهمترین یافته پژوهش حاضر، نشان دادن ماهیت متحول سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان است. این پژوهش ادوار مختلف سیاست خارجی این کشور را بررسی می کند و نشان می دهد بسیاری از احزاب و اسلام گرایان پاکستانی از تداوم نظام جمهوری در افغانستان حمایت نکردند و رابطه بین طالبان و دولت پاکستان را مفید و مؤثر در نظر می گیرند. پیش از این، اسلام آباد در حمایت از طالبان هزینه های زیادی را متحمل شده است ولی با وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در دوره ای با ائتلاف بین المللی علیه طالبان و گروه های تروریستی در افغانستان همراهی کرده است. سپس مجدداً از طالبان حمایت کرده است. پاکستان سعی دارد خود را به عنوان یک بازیگر فعال در افغانستان نشان دهد و در پی معرفی خود به عنوان حامی صلح است. در واقع، مشارکت طالبان و رهبران آنها در ساختار سیاسی افغانستان به نفع اسلام آباد خواهد بود؛ زیرا کنترل کامل جناح ها و تعادل در سیاست خارجی افغانستان می تواند عمق استراتژیک پاکستان را در افغانستان فراهم کند.</p>	<p>مهمترین یافته ها:</p>

کاتب استاد راهنما
فریده محمدعلی پور